

۳-۴. نقد بدیع، محمد فشارکی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ۲۰۲ صفحه.

نثر کتاب حاضر ساده و روان است، اما در عین رسایی، سبک بیان بسیار معمولی و گاه عوامانه است و رنگی از بیان ادبی و آراسته در آن دیده نمی‌شود. در کتاب قواعد ویرایش و نگارش به خوبی رعایت شده است ولی در پاره‌ای موارد ناهماهنگی‌هایی در کاربرد فعل‌ها دیده می‌شود: مانند فعل‌های «تمام کرده باشد» و «می‌کند» در این عبارت «ایغال... در اصطلاح آن است که شاعر پیش از قافیه مطلب را تمام کرده باشد متنها برای آوردن قافیه فعالیت ذهنی دیگری می‌کند...» (ص ۱۷۴) یا مثلاً تعبیر «دستخوش» در جمله زیر مناسب نمی‌نماید: مثال‌های استخدام دستخوش استثنای منقطع نیز می‌شوند» (ص ۱۰۳). حجم کتاب مناسب و برای درس بدیع که ۲ واحد است هماهنگ است و به آسانی می‌توان چنین حجمی را در ۲ واحد درسی تدریس کرد و آموخت.

در این کتاب اصطلاحات بدیعی به صورت کهن و سنتی خود به کار رفته و برای هیچ کدام معادل سازی جدید نشده است. چند مورد از اصطلاحات جدیدی نیز که در این کتاب به کار رفته پیش از این در آثار دیگران آمده است؛ نظیر پارادوکس (ص ۹۴) و حس آمیزی (ص ۹۸).

کتاب برای تدریس در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی مناسب است و با سرفصل‌های درس مطابقت دارد، اما ساخت و بافت کتاب کاملاً سنتی و کهن است، در نتیجه هم از نظر مطالب، هم از نظر سبک بیان و هم از نظر طرح دیدگاه‌های تازه، روزآمد نیست. عدم طرح دیدگاه‌های تازه در آن سبب شده این کتاب به پای کتاب‌هایی چون **نگاهی تازه به بدیع** نرسد و به اندازه آنها ذهن و ذوق دانشجو را برنینگیزد. نویسنده در مواردی ادعای نوآوری کرده، اما این موارد مصداق نوآوری نیست. مثلاً در صفحه ۱۰۴ درباره صنعت ارساد و تسهیم که حدس زدن واژه‌های پایانی بیت است، نوشته: «نوعی دیگر از این صنعت به ذهن نگارنده رسیده و آنچنان است که عبارت یا مصرع پایانی قطعه‌ای را بتوان حدس زد...».

مطالب کتاب نظم منطقی ندارد و مجموع آرایه‌ها به همان سبک کهن در دو بخش لفظی و معنوی از پی هم آمده‌اند و به گونه‌ای منسجم دسته‌بندی نشده‌اند. استنادات و ارجاعات کتاب دقیق است. بسیاری از تعاریف و مثال‌ها نیز با ذکر منبع از کتاب‌هایی چون **فنون بلاغت، المعجم، حقائق السحر، ترجمان البلاغه، گوهر دانش** و... نقل شده است.

چند پیشنهاد برای چاپ‌های مجدد کتاب

۱. با توجه به اینکه کتاب **نقد بدیع**، در مرحله نخست برای دانشجویان ادبیات نوشته شده و در این گونه کتاب‌ها سبک بیان نویسنده باید تا حدودی ادبی باشد تا بتواند هم سرمشقی ذوق‌انگیز برای دانشجویان باشد و هم خواندنش دلپذیرتر، پیشنهاد می‌شود در صورت امکان در سبک بیان کتاب که بسیار عادی و معمولی است، تجدید نظر به عمل آید؛

۲. دانش‌های ادبی نیز باید همپای دیگر دانش‌ها روزآمد گردد و به مسائل تازه توجه شود و تنها به مسائل سنتی بسنده نگردد، بجاست در این کتاب نیز به مسائل و شیوه‌های نوین بدیعی بیشتر توجه شود؛
۳. آرایه‌های ادبی تقریباً به صورت یکسانی در شعر سنتی و نو کاربرد دارد؛ بنابراین جداکردن شعر نو و آوردن آن زیر عنوان «تجلی بدیع در شعر نو» در بخشی جدا (بخش چهارم) مناسب و بلکه درست نمی‌نماید، بهتر است نمونه‌های تجلی بدیع در هر شعر، هر کدام در جای خود و در کنار نمونه‌های شعر سنتی بیاید؛
۴. دسته بندی دقیق تر ، منسجم تر و نیز به روزتری از مباحث عرضه شود؛

